



The Foundations and Components of Political Education in the Thought and Practice of Sayyid Jamaluddin Afghani

Mohammad Arif Fasihi Dawlatshahi*

Abstract

Political education has always had a special place in the history of Islamic thought, and Muslim scholars have considered it a link between moral excellence, social awakening, and reform of the power structure. In this regard, the role of Sayyid Jamaluddin Asadabadi, as one of the pioneers of the Islamic Awakening Movement and the fight against colonialism, is doubly important because he understood politics from the perspective of Sharia and in connection with the education and reform of the Islamic Ummah. Based on this, the present study was conducted with the aim of explaining the foundations and components of political education in the thought and practice of Sayyid Jamaluddin Asadabadi, and its main question is: What are the foundations and components of political education in Sayyid Jamaluddin's thought and behavior? The research hypothesis is that political education in Seyyed Jamal al-Din's intellectual system is based on monotheistic ontology, divine epistemology, and dignity-oriented anthropology; and components such as political awareness, political piety, independence, freedom, and rereading of history are considered tools for awakening the Islamic nation and fighting colonialism and tyranny. The findings show that in his thought, education precedes politics and is a condition for a politician to enter the field of political action. The concept of "the merciful, wise government" also establishes a close link between politics and education. The research results show that spiritual education is rooted in the essence of politics and political awakening is a prelude to conscious activism and the revival of Islamic society. Also, political piety and rereading of history, due to their educational function, lay the foundation for the new authority of Islamic societies. The research method is qualitative and based on inferential analysis, and the data were extracted from the behavior, works, and texts attributed to Seyyed Jamal al-Din.

Keywords: Seyyed Jamal al-Din Asadabadi, education, politics, training, political training.

* Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, Department of International Relations, Khatam al-Nabieen University, Kabul, Afghanistan.

Email: Dawlat1352@gmail.com



مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی در

اندیشه و عمل سیدجمال‌الدین افغانی (ره)

محمد عارف فصیحی دولتشاهی*

چکیده

تربیت سیاسی در تاریخ اندیشه اسلامی همواره جایگاهی ویژه داشته و اندیشمندان مسلمان آن را پیوندی میان تعالی اخلاقی، بیداری اجتماعی و اصلاح ساختار قدرت دانسته‌اند. در این میان، نقش سیدجمال‌الدین افغانی، به‌عنوان یکی از پیشگامان نهضت بیداری اسلامی و مبارزه با استعمار، اهمیتی دوچندان دارد؛ زیرا او سیاست را از منظر شریعت و در پیوند با تربیت و اصلاح امت اسلامی می‌فهمید.

براساس این، پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی در اندیشه و عمل سیدجمال‌الدین افغان انجام شده و پرسش اصلی آن چنین است: مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی در اندیشه و رفتار سیدجمال‌الدین کدام‌اند؟

فرضیه پژوهش بر آن است که تربیت سیاسی در منظومه فکری سیدجمال‌الدین بر هستی‌شناسی توحیدی، معرفت‌شناسی الهی و انسان‌شناسی کرامت‌محور استوار است؛ و مؤلفه‌هایی مانند آگاهی سیاسی، تقوای سیاسی، استقلال، آزادی و بازخوانی تاریخ، ابزارهایی برای بیدارسازی امت اسلامی و مبارزه با استعمار و استبداد به شمار می‌آیند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در اندیشه وی، تربیت مقدم بر سیاست و شرط ورود سیاستمدار به حوزه عمل سیاسی است. مفهوم «حکومت رحیمه حکیمه» نیز پیوندی وثیق میان سیاست و تربیت برقرار می‌کند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تربیت معنوی ریشه در درون‌مایه سیاست دارد و بیداری سیاسی مقدمه‌ای برای کنشگری آگاهانه و احیای جامعه اسلامی است. همچنین، تقوای سیاسی و بازخوانی تاریخ، به دلیل کارکرد تربیتی آنها، زمینه‌ساز اقتدار نوین جوامع اسلامی‌اند. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل استنباطی است و داده‌ها از رفتار، آثار و متون منسوب به سیدجمال‌الدین استخراج شده‌اند.

واژگان کلیدی: سیدجمال‌الدین افغانی، آموزش، سیاست، تربیت، تربیت سیاسی

* استاد کدر علمی دیپارتمنت روابط بین‌الملل، پوهنتون حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون کاتب - افغانستان

ایمیل: Dawlat1352@gmail.com تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲

استناد به این مقاله: فصیحی دولتشاهی، محمد عارف (۱۴۰۴) مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی در اندیشه و عمل سیدجمال‌الدین افغانی (ره)، دو فصلنامه مطالعات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، پیاپی (۷)، صص ۹۱-۱۲۰

مقدمه و طرح مسئله

تربیت سیاسی از موضوعات اساسی و دیرپای اندیشه سیاسی و اخلاقی است که فیلسوفان یونان و متفکران اسلامی بدان توجه داشته‌اند. افلاطون اخلاق و تربیت را پایه سیاست می‌دانست و معتقد بود سیاست اگر با طبیعت حکیمانه پیوند نداشته باشد به تباهی جامعه می‌انجامد (افلاطون، ۱۳۷۹، ص ۳۶۱-۳۶۲). او بر لزوم برخورداری سیاستمداران از فضیلت و روشن‌بینی تأکید می‌کرد (افلاطون، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۱۱۴). ارسطو نیز سعادت را نتیجه تربیت و غایت زندگی انسانی می‌دانست (۱۳۷۸، ص ۱۲۲۵).

در اندیشه اسلامی نیز تربیت و سیاست پیوندی بنیادین دارند و هدف سیاست تربیت انسان و هدایت او به سعادت دنیوی و اخروی است. غزالی سیاست را «استصلاح» مردم و راهنمایی آنان به راه راست می‌داند و تربیت سیاسی را شرط توسعه مادی و معنوی جامعه اسلامی معرفی می‌کند (۱۳۵۱، ج ۵، ص ۷۰).

در میان متفکران مسلمان، سیدجمال‌الدین افغانی جایگاهی برجسته دارد. او با تأکید بر نقش تربیت سیاسی، اصلاح جهان اسلام را در گرو پرورش انسان آگاه، مسئول و بهره‌مند از عقلانیت دینی و علوم جدید می‌دانست. اندیشه‌های او بر متفکرانی مانند محمد عبده، اقبال لاهوری، مهندس بازرگان، شهید مطهری و دکتر شریعتی تأثیر گسترده گذاشت. جامعیت دیدگاه‌ها، توجه هم‌زمان به دین، سیاست و اجتماع، عمل‌گرایی (صوفی و زارعی مهر، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱) و نگاه جهان‌شمول از ویژگی‌های مهم اندیشه اوست.

با وجود این اهمیت، بخش تربیتی اندیشه سید کمتر به‌طور نظام‌مند بررسی شده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با رجوع مستقیم به آثار او، نظریه تربیت سیاسی‌اش را بازسازی کند؛ زیرا استخراج دقیق مبانی و مؤلفه‌های تربیتی وی می‌تواند راهگشای فهم چالش‌های کنونی جهان اسلام مانند عقب‌ماندگی سیاسی، کمبود آگاهی عمومی و تداوم سلطه استعمار باشد.

مسئله اصلی پژوهش چنین طرح می‌شود: تربیت سیاسی در اندیشه سیدجمال‌الدین چه جایگاهی دارد و بر چه مبانی و مؤلفه‌هایی استوار است؟ برای پاسخ، پرسش‌های فرعی شامل تعریف تربیت سیاسی از نظر سید، مبانی آن و مؤلفه‌های مورد نظر او مطرح می‌شود: تربیت سیاسی در اندیشه سید جمال‌الدین افغانی چگونه تعریف می‌شود؟



مبانی تربیت سیاسی در اندیشه وی کدام‌اند؟ مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر او چه هستند؟ مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر او چه هستند؟

پیشینه پژوهش

براساس مقایسه انجام‌شده، نوآوری و وجه تمایز پژوهش حاضر در پنج محور اصلی قابل جمع‌بندی است:

تمرکز مستقل بر تربیت سیاسی: برخلاف پژوهش‌هایی که به اصلاح‌گری، بیداری اسلامی یا اندیشه سیاسی سید پرداخته‌اند، این مطالعه تربیت سیاسی را به‌صورت مستقیم و نظام‌مند بررسی می‌کند.

ارائه مبانی سه‌گانه فلسفی: پژوهش حاضر مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی تربیت سیاسی را استخراج کرده است؛ امری که در مطالعات گذشته صورت نگرفته است.

به‌کارگیری چهارچوب نظری «سیاست هادی»: این چهارچوب نوین که سیاست را هدایت‌محور و تربیت‌گرا می‌بیند، برای نخستین‌بار در تحلیل اندیشه سیدجمال استفاده شده است.

استخراج مؤلفه‌های کاربردی تربیت سیاسی برای امروز: مؤلفه‌هایی مانند آگاهی سیاسی، تقوای سیاسی، استقلال‌طلبی، تاریخ‌خوانی انتقادی و مبارزه با استبداد استخراج و کاربرد آنها در جوامع اسلامی تبیین می‌شود.

تبیین پیوند تربیت، سیاست و اصلاح اجتماعی: پژوهش نشان می‌دهد که در اندیشه سیدجمال سیاست بدون تربیت انسان ممکن نیست؛ موضوعی که در ادبیات پیشین کمتر به‌صورت نظری تحلیل شده است.

جدول ۱. مقایسه تحقیق حاضر با پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده / نویسندگان	محور یا محتوای اصلی	منبع / سال	یافته‌ها و نوآوری پژوهش
۱	حکمت و سیاست در اندیشه سیدجمال‌الدین افغانی	نجمه کیخا	بررسی پیوند میان حکمت، فلسفه و سیاست در اندیشه سید جمال و تبیین	فصلنامه اندیشه دینی، ۱۳۹۸	تبیین نقش حکمت در سیاست؛ تحلیل مبانی فلسفی

		نقش تربیت در حکمت سیاسی او			
اصلاح‌گری سیدجمال					
استخراج مؤلفه‌های تربیت اسلامی؛ تأکید بر نقش تربیت دینی در احیاءگری	پژوهشنامه تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۷	بررسی جایگاه تعلیم و تربیت در اندیشه سیدجمال و نقش آن در بیداری مسلمانان	حسین مرادی و شاه‌مرادی	مفهوم‌شناسی و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت اسلامی از منظر بیدارگر اسلام، سید جمال‌الدین افغانی	۲
تحلیل تأثیر تربیت سیاسی بر بیداری اسلامی؛ تمرکز بر جنبه مبارزاتی	پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۳۹۲	تبیین نقش تربیت سیاسی و آگاهی‌بخشی در جنبش‌های ضد استعماری و ضد استبدادی	محمدرضا غلامی	بازخوانی اندیشه‌های سیاسی سید جمال‌الدین افغانی در بیداری اسلامی	۳
تطبیق ساختارهای فکری؛ برجسته‌سازی مشترکات اصلاحی و تربیتی	فصلنامه اندیشه سیاسی اسلام، ۱۳۹۵	مقایسه در مبانی تربیتی، نقش دین در سیاست و هدف هدایت‌گرانه سیاست	زهرا طاهری	تحلیل تطبیقی اندیشه سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی و امام خمینی (ره)	۴
استخراج راهکارهای تربیتی؛ بیان نقش اخلاق در سیاست اصلاحی	مجله پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۶	تبیین تربیت اخلاقی و سیاسی به‌عنوان راهکار مقابله با انحطاط جوامع اسلامی	علی فلاح	نقش تربیت اسلامی در اصلاح جوامع مسلمانان از دیدگاه سید جمال‌الدین افغانی	۵
تبیین نقش تربیت در آینده‌نگری؛ تحلیل نگرش	مجله معرفت	تحلیل مبانی فکری سیدجمال در زمینه	مهدی آقاجری	آینده‌اندیشی از دیدگاه	۶





سیدجمال‌الدین افغانی		آینده‌سازی جوامع اسلامی و نقش تربیت سیاسی در آن	سیاسی، ۱۳۹۴	راهبردی سید جمال	
۷	بازتاب اندیشه تربیتی سید جمال‌الدین در آثار محمد عبده و رشید رضا	فاطمه اسماعیلی	بررسی استمرار تربیت سیاسی سید در شاگردان و جریان اصلاحی پس از او	فصلنامه تاریخ اندیشه، ۱۳۹۹	نشان‌دادن تداوم میراث تربیتی سید؛ تحلیل تحول گفتمان اصلاحی
۷	نقش مطبوعات در تربیت سیاسی از دیدگاه سید جمال‌الدین افغانی	سجاد عبدی	تبیین کارکرد آموزشی و تربیتی مطبوعات در بیدارسازی مردم	رسانه و جامعه، ۱۴۰۰	تحلیل ابزارهای ارتباطی؛ استخراج نقش رسانه در تربیت سیاسی
۸	جایگاه تقوای سیاسی در اندیشه سید جمال‌الدین افغانی	الهام زینلی	بررسی بُعد اخلاقی و معنوی سیاست و نقش آن در تربیت رهبران جامعه	اندیشه اسلامی معاصر، ۱۴۰۱	برجسته‌سازی تقوای سیاسی؛ نشان‌دادن پیوند اخلاق و سیاست
۹	مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی در اندیشه سید جمال‌الدین افغانی (مقاله حاضر)	محمدعارف فصیحی دولت‌شاهی	تمرکز بر شناسایی مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزشی تربیت سیاسی و مؤلفه‌هایی چون بیداری، تقوا، آگاهی و مبارزه با استبداد	مقاله حاضر	تمرکز نظام‌مند بر مبانی سه‌گانه تربیت سیاسی؛ ارائه مدل تحلیلی «سیاست هادی»؛ استخراج مؤلفه‌های کاربردی برای تربیت سیاسی در جوامع اسلامی

الف) مفهوم‌شناسی

با توجه به اینکه مفاهیم در پرتوافکنی و شفافیت تحقیق نقش اساسی دارند، نخست، به بیان مفاهیم کلیدی در این پژوهش می‌پردازیم.

۱. تربیت

واژه «تربیت سیاسی» ترکیبی از دو واژه «تربیت» و «سیاست» است و برای درک آن، ابتدا باید این دو واژه را تعریف کرده و سپس در پرتو آنها به مفهوم «تربیت سیاسی» پرداخت. تربیت در معنای لغوی برآمدگی و زیادی است و در فرهنگ شیعه، این واژه به معنای پرورش در جهت رشد و کمال است (شاهرودی، ۱۴۲۶، ص ۴۳۷). فلیپ اسمیت و استاد مطهری، تربیت را به معنای شکوفایی استعدادهای بالقوه انسان‌ها و فراهم کردن زمینه‌های این فعالیت جهت رسیدن به اهداف مطلوب دانسته‌اند (اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۵۹ و مطهری، ۱۳۷۳، ص ۵۷).

در دیدگاه سیدجمال‌الدین، تربیت عبارت است از مجادله و مقاومت با طبیعت، به‌گونه‌ای که اگر تربیت نیکو باشد، طبیعت را از نقص به کمال می‌رساند (اسدآبادی، ۱۳۵۸، ص ۶۷). از این نظرگاه، تربیت از سه دیدگاه مورد توجه قرار می‌گیرد. اولین دیدگاه آن است که در تربیت فرد، منافع ملت در درجه اول قرار گیرد و منافع فرد تابعی از آن باشد. دومین دیدگاه آن است که تعلیم و تربیت بر منافع فرد استوار باشد. سومین دیدگاه آن است که به کلی منافع بیگانگان منظور باشد. سیدجمال‌الدین در تجزیه و تحلیل این سه نوع تربیت، نگاه نخست را ضروری دانسته و آن را موجب اتحاد دینی و انسجام اجتماعی می‌داند. تربیت نوع دوم را منافی اتحاد دینی و انسجام اجتماعی می‌داند و تربیت نوع سوم را بدترین و مضرترین تربیت برای جامعه می‌شمارد (مرادی مخلص، ۱۳۹۹، ص ۵۴).

۲. سیاست

سیاست در اسلام به معنای تدبیر و مدیریت امور عمومی جامعه است که هدف آن حفظ عدالت، تأمین امنیت، و تحقق مصالح عمومی در چهارچوب احکام و آموزه‌های الهی است. امام علی (ع) می‌فرماید: «السیاسة عدل و عدلها إقامة الحق» (نهج البلاغه، خطبه ۳۲)؛ یعنی سیاست، عدالت است و عدالت، برقراری حق. سیدجمال‌الدین سیاست را وسیله‌ای برای ارتقای سطح آگاهی سیاسی و اخلاقی مردم و تحقق حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی می‌داند که بدون آن جامعه به سوی استبداد و فساد سوق داده می‌شود (اسدآبادی، ۱۳۵۸، ص ۶۰).





در آثار و نامه‌های او، سیاست به‌عنوان عامل تحقق عدالت، دفاع از حقوق ملت‌ها و مقابله با استعمار و استبداد شناخته می‌شود. سیدجمال‌الدین تأکید دارد که سیاست بدون تربیت صحیح مردم و بیداری آنان، به فساد، استبداد و تفرقه منجر خواهد شد (مرادی مخلص، ۱۳۹۹، ص ۵۰). او در نامه‌ها و سخنرانی‌های خود بارها به ضرورت سیاست حکیمانه اشاره کرده و سیاست را «رحیمه حکیمه» خوانده است که وظیفه‌اش تربیت و بیداری جامعه است و هدفش ایجاد عدالت و اتحاد دینی می‌باشد (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۶۴).

۳. تربیت سیاسی

تربیت سیاسی فرایندی است که افراد را برای مشارکت آگاهانه و مؤثر در امور سیاسی جامعه آماده می‌کند و شامل پرورش فضایل اخلاقی، دانش سیاسی و مهارت‌های مشارکت فعال است. این فرایند «پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های موردنیاز برای مشارکت سیاسی و آماده‌سازی افراد برای مشارکت آگاهانه در بازسازی جامعه» را دربرمی‌گیرد (الیاس، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰) و همچنین «کوششی در جهت تربیت شهروندانی مسئول و وظیفه‌شناس» است که مستلزم رشد دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای حضور فعال در عرصه سیاسی است (جراحی دربان و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۵-۱۱۲).

در اندیشه سیدجمال‌الدین افغانی، تربیت و سیاست به هم آمیخته‌اند؛ «انسان، انسان است به تربیت» (اسدآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۹) و هدف سیاست، تربیت انسان‌ها و بیداری جامعه است. سیاست و حکومت‌ها از دید وی براساس میزان تحقق اهداف تربیتی طبقه‌بندی می‌شوند: «رحیمه حکیمه»، «رحیمه جاهله» و «رحیمه احمقانه» (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۶۴). در حکومت‌های غیرحکیمه، نیازهای مادی و معنوی انسان نادیده گرفته می‌شود، آگاهی مردم سلب می‌شود و تربیت سیاسی ممکن نیست (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

سیدجمال‌الدین بر این باور بود که تربیت سیاسی شاخصه‌های شناخت، انتخاب و عمل دارد؛ افراد باید فضایل سیاسی را بشناسند، اهدافی چون آزادی، همبستگی سیاسی و عدالت را انتخاب و در برابر استبداد و ستم قیام کنند (حسینی اسدآبادی، ۱۳۸۹، ص ۹۵-۹۹). وی تلاش عملی خود را در مقام وزیر در «افغانستان» (حائری، ۱۳۸۱، ص ۵۶)، عضویت در شورای عالی آموزش عثمانی (حسینی اسدآبادی، ۱۳۸۹، ص ۹۵-۹۹)، فعالیت آموزشی در «مسجد ایاصوفیه» و «دارالفنون» استانبول، «دانشگاه الازهر»، تشکیل حزب «الوطنی الحر» در «قاهره» (رئیس طوسی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۶) و تأسیس گروه

«عروه» (واثقی، ۱۳۵۵، ص ۹۳) صرف کرد تا ساختار فرهنگی، آموزشی و سیاسی جوامع اسلامی را تحت تأثیر تربیت سیاسی قرار دهد.

ب) تعریف عملیاتی مفاهیم و شاخص‌های پژوهش

براساس فعالیت پژوهشگرانه و با الهام از اندیشه سیدجمال‌الدین مفاهیم کلیدی «تربیت»، «سیاست» و «تربیت سیاسی» بر پایه «تعاریف عملیاتی» و «شاخص‌های مشخص» تعریف می‌شوند. جدول زیر، خلاصه‌ای نظام‌مند از این تعاریف و شاخص‌ها را ارائه می‌کند.

جدول ۲. تعریف عملیاتی مفاهیم و شاخص‌های پژوهش

مفهوم	تعریف عملیاتی	شاخص‌های قابل سنجش
تربیت	فرایندهایی که موجب بیداری فکری، تقویت اخلاق، خودآگاهی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری می‌شود؛ همان عناصری که سیدجمال زیربنای اصلاح مسلمانان می‌دانست.	۱. بیداری فکری و مبارزه با جهل: میزان مطالعه، علاقه به مباحث فکری-اجتماعی، گرایش به یادگیری علوم جدید. ۲. تقویت اخلاق و مسئولیت اجتماعی: صداقت، عدالت‌خواهی، احساس وظیفه نسبت به جامعه. ۳. مشارکت فرهنگی-اجتماعی: حضور در نشست‌ها، حلقات فکری، کارگاه‌های آگاهی‌بخش. ۴. رویکرد اصلاح‌گرایانه: تمایل به اصلاح جامعه، نقد سازنده، مشارکت در برنامه‌های اصلاحی.
سیاست	آگاهی، مسئولیت و مشارکت برای اصلاح جامعه و جلوگیری از استبداد و عقب‌ماندگی؛ سیاست به مثابه ابزار بیداری و استقلال امت در دیدگاه سید جمال.	۱. آگاهی سیاسی-اجتماعی: شناخت عدالت، آزادی، استقلال، حقوق ملت‌ها، ساختار حکومت، استعمارستیزی. ۲. نگرش سیاسی اصلاح‌گرایانه: باور به وحدت، مبارزه با فساد، عدالت‌خواهی، مقابله با استبداد و جهل. ۳. آمادگی مشارکت اجتماعی-سیاسی: تمایل به فعالیت‌های مدنی، جلسات آگاهی‌بخش، دفاع از حقوق مردم، مشارکت انتخاباتی. ۴. حساسیت اجتماعی: توجه به مشکلات جامعه (فقر، بی‌عدالتی)، تمایل به تغییر شرایط.





<p>الف. دانش سیاسی-اجتماعی: شناخت مبانی بیداری اسلامی، عدالت، آزادی، استقلال، مبارزه با استعمار؛ آگاهی از نهضت‌های اصلاحی و نقش سیدجمال.</p> <p>ب. نگرش و ارزش‌های سیاسی: پذیرش ارزش‌های وحدت، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، مسئولیت اجتماعی، اصلاح‌طلبی.</p> <p>ج. مهارت/آمادگی مشارکت: توانایی بحث و تحلیل مسائل اجتماعی-سیاسی؛ مشارکت در حلقات فکری، نشست‌های فرهنگی؛ مهارت تحلیل مسائل روز.</p> <p>د. رفتار مشارکتی: سابقه یا آمادگی برای فعالیت مدنی، مشارکت اصلاحی، همکاری در نشست‌ها، فعالیت‌های وحدت‌آفرین، مشارکت انتخاباتی.</p>	<p>مجموعه فرایندهایی که فرد را به شهروندی بیدار، مسئول، عدالت‌خواه، متحد و مبارزه‌جو با استبداد و جهل تبدیل می‌کند؛ مطابق رسالت بیدارگرانه سید جمال.</p>	<p>تربیت سیاسی</p>
--	--	--------------------

(جدول محقق ساخته)

ج) چهارچوب نظری: نظریه سیاست هادی

۱. مفهوم و ماهیت «سیاست هادی»

«سیاست هادی» به‌عنوان یک الگو در اندیشه سیاسی اسلامی، سیاست را نه صرفاً در قالب «تدبیر امور» یا «تنازع قدرت»، بلکه در سطحی عمیق‌تر؛ یعنی «هدایت انسان به سوی کمال و رشد اخلاقی» تعریف می‌کند (برزگر، ۱۳۹۱، ص ۴۵). در این معنا، سیاست هادی فراتر از مسائل مدیریتی و قدرت، به «مدیریت جامعه در مسیر رشد انسان» می‌پردازد.

این رویکرد پارادایمی است؛ یعنی سیاست به‌جای آنکه وسیله انباشت قدرت و سلطه باشد، به ابزار هدایت تبدیل می‌شود. در مقابل دیدگاه‌های «مادی‌گرایانه که سیاست را نتیجه تضاد منافع و رقابت قدرت می‌دانند» (مشیرزاده، ۱۳۹۲، ص ۸۲). سیاست هادی با تأکید بر بُعد انسانی سیاست، نقدی بنیادین بر آن می‌افکند.

از نظر این دیدگاه، اگر سیاست خالی از بعد اخلاقی باشد، به صرف «تکنیک کنترل» تنزل می‌یابد، چیزی که با هدف اصلی سیاست هادی در تضاد است. به تعبیر متفکران اسلامی، سیاست باید وسیله‌ای برای سوق دادن جامعه از «خودمحوری» به «خدمت‌محوری» باشد (صدرالمتألهین، ۱۳۸۱، ص ۵۸۶). در این تلقی، سیاست هادی ذاتاً تربیتی و اخلاقی است.

۲. چارچوب نظری: سیاست هادی

۲-۱. مبانی هستی‌شناختی

سیاست هادی بر این فرض استوار است که جهان و طبیعتاً جامعه انسانی ذیل یک «نظام احسن» آفریده شده است؛ نظامی با غایت الهی و هدفمند. از این رو، سیاست نیز باید در راستای آن غایت کلی قرار گیرد، نه صرفاً تأمین منافع مادی. این نگرش برابر است با آنچه در فلسفه سیاسی اسلامی مطرح می‌شود؛ مبنایی که مشروعیت سیاسی را منوط به انطباق با غایت الهی می‌داند (ناظر زاده کرمانی، ۱۳۷۶، ص ۴۰).

بر اساس این، تدبیر جامعه در مسیری خارج از «مسیر الهی» مشروعیت ندارد. این بدان معناست که سیاست باید با غایت اخلاقی و الهی هماهنگ باشد، نه صرفاً دنباله‌رو مصالح قدرت.

۲-۲. مبانی انسان‌شناختی

در سیاست هادی، انسان موجودی فطرت‌مدار و بالقوه برای رشد معنوی تلقی می‌شود. این دیدگاه تأکید می‌کند که انسان قابلیت «هدایت» و «پرورش» دارد (شهید مطهری ۱۳۷۴). در چنین چشم‌اندازی، سیاست هادی به دنبال «پرورش انسان» است، نه آنکه انسان را به ابزاری برای اهداف سیاسی تبدیل کند. اگر انسان قابل پرورش نباشد، مبنای تربیتی سیاست هادی فرو می‌ریزد و سیاست صرفاً به مدیریت تبدیل می‌شود.

۲-۳. مبانی معرفت‌شناختی

نظریه سیاست هادی معرفت‌سیاسی را ترکیبی از عقل، وحی و اخلاق می‌داند. منظور از عقل همان عقل هدایت‌گر است، نه عقل ابزاری. بر پایه این دیدگاه، اگر سیاست از اخلاق و ایمان تهی باشد، به «ابزار صرف در خدمت قدرت و تکنیک تقلیل می‌یابد و نه وسیله هدایت و رشد» (یزدانی‌مقدم، ۱۳۹۲، ص ۴۹-۶۸).

در گفتمان فلسفه سیاسی اسلامی نیز تأکید می‌شود که هر نظریه سیاسی مستلزم پیش‌فرض‌هایی درباره ذات انسان، جهان و جامعه است و بنابراین، تحلیل سیاست باید از بستر معرفت و اخلاق انجام پذیرد.

۳. ابعاد کارکردی سیاست هادی

بر پایه مبانی یادشده، سیاست هادی دارای ابعاد چندگانه است:

بعد تربیتی: سیاست به مثابه مدرسه پرورش انسان در نظر گرفته می‌شود. در این نظریه، سیاست پیش از آنکه اداره دولت باشد، ابزار «ساخت انسان آگاه، مسئول و رشید» است (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴-۲۵۵). بنابراین «تربیت سیاسی» نه نتیجه ثانوی سیاست، بلکه پیش شرط عمل سیاسی است. دین اولین معلم و هادی بشریت است که او را برای کسب علوم و معرفت و گسترش معارف هدایت و ارشاد کرده است. دین آداب حسنه و اخلاق کریمه را براساس عدالت، شفقت و رحمت به بهترین صورت در نهاد انسان قرار داده است (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص ۳۰۴).

بعد اخلاقی: در سیاست هادی، اخلاق نقش بازدارنده می‌یابد؛ یعنی قدرت محدود به اخلاق و تقوا می‌شود. اگر سیاست از اخلاق تهی شود، به «ابزار استبداد» بدل می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

بعد هدایتی - بیدارگر: سیاست هادی فرایندی برای رفع جهل، ایجاد آگاهی و کنشگری در جامعه است. یعنی سیاست نه فقط برای مدیریت امور، بلکه برای هدایت جامعه به سمت بیداری، عدالت، آگاهی و مشارکت است (برزگر، ۱۳۹۱، ص ۶۰).

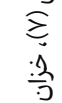
بعد اجتماعی - عدالت: سیاستی که در چهارچوب سیاست هادی قرار دارد، تلاش می‌کند عدالت اجتماعی را تحقق بخشد. سیاست هادی توسعه جامعه را نه در سایه قدرت، بلکه در بستر اخلاق، تربیت و عدالت می‌بیند (سروش، ۱۳۷۹، ص ۱۹۸).

بعد ابزار قدرت معطوف به هدایت: در این بعد، قدرت به عنوان وسیله‌ای در خدمت هدایت انسانی استفاده می‌شود. اگر قدرت خود هدف شود، سیاست از مسیر هدایت منحرف خواهد شد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۹).

در نتیجه، سیاست هادی، همانند یک «صراط» است راهی که جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب الهی سوق می‌دهد. سیاست به مثابه صراط یعنی راهی که هدایت‌گر و تربیت‌محور است و جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب الهی می‌برد (برزگر، ۱۳۹۱، ص ۷۲).

۴. نسبت سیاست هادی با اندیشه تربیتی و سیاسی سیدجمال

دیدگاه سیاست هادی و اندیشه سید جمال هر دو سیاست را به مثابه وسیله‌ای برای هدایت، تربیت، آگاهی و بیداری جامعه می‌بینند نه صرفاً ابزاری برای قدرت یا مدیریت. هر دو



رویکرد بر رشد فطری انسان، هدایت الهی، آگاهی سیاسی، عدالت، و رهایی از جهل، استعمار و استبداد تأکید دارند. بنابراین، سیاست هادی می‌تواند چهارچوب نظری و فلسفی - فلسفی - معرفتی مناسبی برای تحلیل اندیشه و فعالیت سیاسی سیدجمال باشد.

نقد مشترک این دو نگرش نسبت به مادی‌گرایی و نچرالیزم نیز برجسته است: سیاست نباید صرفاً ابزاری برای تأمین منافع مادی یا قدرت باشد؛ بلکه عرصه اخلاق، معنویت، تربیت و تحول اجتماعی است.

جدول ۳. نظریه سیاست هادی و مقایسه آن با سیاست مادی‌گرایانه

ویژگی	نظریه مادی‌گرایانه	نظریه معناگرایانه (سیاست هادی)
ماهیت سیاست	عرصه منافع و رقابت بر سر قدرت	فرآیند هدایتی، اخلاقی و تربیتی
تمرکز اصلی	منافع مادی، حفظ و افزایش قدرت	تربیت سیاسی، رشد اخلاقی و توسعه معنوی
نقش تربیت در سیاست	کم‌رنگ یا مغفول	تربیت ابزار اصلی تحقق سیاست
هدف سیاست	تحکیم قدرت و منافع گروه یا فرد	اصلاح فرد و جامعه، ارتقاء اخلاق سیاسی
نگرش به قدرت	قدرت هدف سیاست	قدرت وسیله تحقق ارزش‌های اخلاقی و تربیتی
پیامدهای اجتماعی	تسلط و سلطه، فساد و بی‌عدالتی	عدالت، همبستگی اجتماعی و تعالی انسانی
قلمرو تربیت	نادیده گرفته شده یا فرعی	تربیت در همه ابعاد سیاسی و اجتماعی فعال

د) مبانی تربیت سیاسی در اندیشه سیدجمال‌الدین افغانی

۱. هستی‌شناختی

هستی‌شناسی به‌عنوان پایه‌ای معرفتی، نقش کلیدی در شکل‌دهی روش و هندسه معرفتی متفکران دارد. بخش عمده از شناخت هستی مربوط به کشف قوانین هستی است. از دید افغانی، هستی مظهر «ناموس الهی» است؛ یعنی هیچ واقعیتی بیرون از سنت و اراده الهی قابل تصور نیست. کشف قوانین هستی بخش عمده شناخت را تشکیل می‌دهد. مطابق این



دیدگاه، اجتماع و سیاست نیز تابع قوانین الهی‌اند؛ اما این به معنای انکار نقش انسان نیست؛ بلکه نقش انسان، به‌ویژه نخبگان، در جامعه و سیاست برجسته است (اسدآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۹).

در فهم او، اعتقادات صحیح عامل سعادت جامعه‌اند؛ درحالی‌که طبیعت‌گرایی (نچرالیزم، مادی‌گرایی) ریشه فساد، خرابی شهرها و هلاکت بندگان است (اسدآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۳). بنابراین، هندسه معرفتی افغانی بر تفکیک دین از نچرالیزم تأکید دارد. او معتقد است هستی تنها محدود به محسوسات نیست؛ بلکه بعد غیبی نیز دارد (صدری‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۲۸-۲۹).

سیدجمال‌الدین مادی‌گرایی را عامل تباهی امت‌ها می‌داند؛ چون به عقب‌ماندگی و نابودی فضائل انسانی می‌انجامد. در نگاه او، انسان عالی‌ترین مخلوق حیات است. خداوند ظرفیت کمال را در انسان قرار داده تا از طریق تربیت به مقام خلیفه‌اللهی برسد. امت اسلامی را اشرف امم می‌شمرد و فلسفه آفرینش انسان را دستیابی به کمالات شایسته می‌داند (اسدآبادی، ۱۳۶۱، ص ۸۳). نظم اجتماعی مبتنی بر فضائل اخلاقی چون حیا، امانت و صداقت است؛ فضائلی که حضورشان قوام «هیئت اجتماعی» را تضمین می‌کند و فقدانشان به دروغ، خیانت، فساد و فروپاشی منجر می‌شود (اسدآبادی، ۱۳۷۹، ص ۳۰ و ۱۰۰).

برای سیدجمال‌الدین، ترکیب عقلانیت، علم و وحی همراه با شناخت هستی و پذیرش غیب اساس دفاع فکری از دین و رد نچرالیزم است. او با تأکید بر این دیدگاه، مادی‌گرایان و طرفداران نظریه‌های صرفاً طبیعی را نقد می‌کند (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ص ۱۴۱-۱۵۱).

در این چشم‌انداز، اعتقادات درست و فضائل اخلاقی، پایه‌های استحکام و پایداری جامعه‌اند و رذایل و باورهای غلط، زمینه‌ساز زوال و تباهی. هندسه معرفتی اسدآبادی، دینداری، عقلانیت، اخلاق و سیاست را در هم می‌تند و هدف نهایی آن پرورش انسانی کامل و جامعه‌ای عادل، با عزت، فضیلت و هویت دینی و اخلاقی است.



جدول ۴. مبانی هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی تربیتی

ردیف	مبانی هستی‌شناسی	ارزش‌شناسی تربیتی
۱	هدفمندی هستی	هدفمندی تربیت سیاسی
۲	قاعده‌مندی جهان هستی	قاعده‌مندی تربیت سیاسی
۳	تفکیک دین و نیچرالیسم	تربیت سیاسی معناگرا و ماده‌گرا
۴	تناسب و عدم تناسب اسلام و نیچرالیسم با عالم هستی	تربیت نیچرالیستی باعث زوال و تربیت اسلامی عامل پیشرفت جامعه
۵	مبانی سعادت انسان در جهان هستی	پیوند عقاید و فضائل در تربیت سیاسی

(جدول محقق ساخته)

هستی‌شناسی هدفمند، تربیت سیاسی جهان را قاعده‌مند و تربیت سیاسی را معنادار می‌کند. مبانی فلسفی هستی‌شناسی ارزش‌ها و اهداف تربیت سیاسی را تعیین و تفاوت‌های بنیادین بین رویکرد اسلامی و نیچرالیستی را آشکار می‌کند.

۲. مبانی انسان‌شناسی

در دیدگاه سیدجمال‌الدین افغانی هدف از آفرینش انسان، نائل آمدن به عالی‌ترین مرتبه کمال انسانی است و یقیناً سعادت او به میزان کسب کمالاتی بستگی دارد که مراتب وجودی‌اش را اعتلا می‌بخشد (اسدآبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۴). کمال‌جویی در انسان موجب می‌شود که همواره برای کسب فضائل لازمه نیکبختی واقعی تلاش کند (اسدآبادی، ۱۳۲۷، ص ۱۹).

این بینش باعث می‌شود که انسان به تربیت خود توجه کند و در زندگی اجتماعی و سیاسی، از رذایل اخلاقی دوری گزیند. در انسان‌شناسی او، کمال‌جویی فطری است؛ فطرت انسانی نه تنها سازنده و محرک تاریخ، بلکه اساس هرگونه تحول تاریخی به شمار می‌آید (اسدآبادی، ۱۳۵۵، ص ۱۵۲؛ ۱۳۵۵، ص ۱۲۵-۱۳۲). امیال و خواسته انسان زمانی محرک تاریخ است که تحت سلطه عقل باشد. عقل سلطان وجود آدمی است. اما آنچه هدایتگر عقل است، شناخت فطرت انسانی است. نفس انسان در کشاکش همیشگی میان دو بی‌نهایت قرار دارد: از یک سو استعداد سقوط دارد و از سوی دیگر توانایی تکامل (اسدآبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷). اگر نفس انسانی به صورت سلبی (ترکیه) تربیت شود، بارور می‌شود، و اگر به صورت ایجابی تربیت نشود، تباه می‌شود.





سیدجمال‌الدین انسان‌شناسی دینی دارد که بر اساس آن انسان ذاتاً خیرخواه و کمال‌جو است. از نظر سید، خداوند هر آنچه را که انسان نیاز داشته در فطرت او قرار داده است و تکامل همیشگی انسان را براساس مقتضیات فطری و طبیعی تضمین کرده است (کافی، ۱۳۸۸، ص ۵۸)؛ البته در این میان، تربیت به‌عنوان عنصر اصلی در پرورش استعدادهای درونی انسان مطرح است. وی حسن تربیت را موجب تمامی کمالات و خوبی‌ها می‌داند و سوء تربیت را موجب تمامی نقص‌ها و زشتی‌ها می‌شمرد. بنابراین، میل فطری انسان به‌سوی کمال و تربیت نیک، زمینه‌ساز ترقی و پیشرفت جوامع می‌شود (اسدآبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷).

جدول ۵. مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی تربیتی

ردیف	مبانی انسان‌شناسی	مبانی ارزش‌شناسی تربیتی
۱	هدفمندی انسان	هدفمندی تربیت سیاسی
۲	انسان موجود کمال‌گرا	کمال جوامع انسانی در سایه تربیت سیاسی
۳	انسان‌شناسی دینی	تربیت سیاسی دینی
۴	استعدادهای بالقوه در وجود انسان	شکوفایی استعدادها در اثر تعلیم و تربیت سیاسی
۵	انسان موجود عقلانی	پیوند عقلانیت و تربیت سیاسی
۶	تربیت‌پذیری انسان	تربیت‌پذیری سیاسی

(جدول محقق ساخته)

جدول پیش‌استعدادهای بالقوه انسان، ضرورت پرورش از طریق تربیت سیاسی را نشان می‌دهد و عقلانیت، نقش کلیدی در تقویت تصمیم‌گیری‌های سیاسی خردمندانه دارد. قابلیت تربیت‌پذیری انسان، امکان تغییر هویت و اخلاق سیاسی را فراهم می‌کند.

۳. مبانی معرفت‌شناختی

در اندیشه سیدجمال‌الدین، معرفت زیربنای عقیده و عمل انسان است و بدون شناخت مبانی شناختی، فهم درست رفتار آدمی ممکن نیست. او «میل به معرفت علل و اسباب حوادث و خواص اشیاء» را مبنای انسانیت و منشأ سعادت بشر و عامل برتری انسان بر موجودات دیگر می‌شمرد (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ص ۱۵۰-۱۴۹)؛ از دید او، معرفت‌شناسی همان شناخت و آگاهی است که با تصور و سپس تصدیق تحقق می‌یابد (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۲۶۵؛ ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۳).

منابع معرفت در نظر او ترکیبی اند: وحی، سنت، عقل صریح، حس و تجربه، فطرت، الهام، اجماع، سیره متشرعه و تاریخ؛ یعنی تلفیقی از منابع نقلی، عقلی و تجربی (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۶۲-۲۱۵ و ص ۱۹۴-۲۲۶؛ ج ۲، ص ۱۹۱-۲۰۲). اگرچه حس و تجربه را مهم می‌داند، با مادی‌گرایانی که معرفت را صرف تجربه می‌دانند مخالفت دارد و میان مادیون و الهیون راه میانه می‌پیماید.

او به نقش عقل تأکید می‌کند و باور دارد که بدون عقل، معرفت، سعادت و بصیرت حاصل نمی‌شود. عقل صریح از نظر وی رکن فهم معارف دینی و درک واقعیت هستی است (اسدآبادی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۳؛ ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲).

با وجود این، عقل نزد او مستقل و مطلق نیست؛ بلکه عقل معتدلی است که با وحی و سنت همراه شده است. رویکرد معرفت‌شناختی ترکیبی اسدآبادی موجب می‌شود معرفتی جامع پدید آید که نه گرفتار تجرید افراطی باشد و نه فروکاست به مادی‌گرایی.

بر پایه این مبانی معرفتی، تربیت اخلاقی، اجتماعی و سیاسی شکل می‌یابد. از نظر او، تحقق «انسان کامل» و «امت نمونه» تنها با شناخت درست از جهان، قوانین الهی و ظرفیت عقلانی انسان ممکن است. ترکیب وحی و عقل باعث می‌شود تربیت ابعادی مادی و معنوی داشته باشد و جامعه در برابر انحرافات فکری، مادی‌گرایی و افراط فلسفی مقاوم بماند.

جدول ۶. پیوند مبانی معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی تربیتی

ردیف	مبانی معرفت‌شناسی	مبانی ارزش‌شناسی تربیتی
۱	تعدد منابع شناخت (وحی، عقل، حس)	تربیت جامع عقلی، عاطفی، حسی و روحی
۲	نقد تجربه‌گرایی و مادی‌گرایی	تأکید بر تربیت معناگرا و فرا مادی مبتنی بر هدایت الهی
۳	ترکیب عقل و وحی و اعتدال در عقل‌گرایی	تقویت عقلانیت متعهد در تربیت سیاسی و پرهیز از افراط یا تفریط
۴	جایگاه وحی در تولید معرفت و هدایت بشر	تربیت اخلاقی و دینی مبتنی بر تعالیم انبیاء و قرآن
۵	سلوک و اخلاق در مکتب نجف (پیوند عرفان، فقه و عقل)	پرورش انسان متعادل، اخلاق‌مدار و متفکر در مسیر تربیت سیاسی

(جدول محقق ساخته)





این جدول نشان می‌دهد که وقتی معرفت‌شناسی، عقل، حس و وحی را هم‌زمان به‌عنوان منابع شناخت می‌پذیرد، تربیت سیاسی به‌صورت جامع و متوازن عمل می‌کند. انسان‌شناسی موردنظر، انسان را فطرت‌محور، عقلانی و کمال‌جو می‌بیند، و تربیت سیاسی را ابزار شکوفایی همین ظرفیت‌ها می‌داند. این مبانی زمینه‌ساز مؤلفه‌هایی واقعی برای تربیت سیاسی در اندیشه و عمل سید جمال است.

ه) ارتباط مبانی با مؤلفه‌های تربیتی در اندیشه سیدجمال‌الدین

مؤلفه‌های تربیت سیاسی در اندیشه سیدجمال در امتداد مبانی فلسفی و الهی او تعریف می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که هر مؤلفه تجلی عینی یکی از مبانی نظری در عرصه اجتماع است و مجموع آنها نظامی منسجم برای اصلاح انسان و جامعه و مبارزه با استبداد و استعمار پدید می‌آورد.

جدول ۷. رابطه بین مبانی و مؤلفه‌ها در منظومه فکری سیدجمال‌الدین

مبانی تربیت سیاسی	مؤلفه‌های متناظر	تبیین ارتباط
توحید و هدفمندی هستی	بیداری و خودآگاهی	آغاز حرکت آگاهانه انسان در مسیر هدایت الهی
کرامت و فطرت انسانی	تقوای سیاسی و تربیتی اخلاقی	رشد فضایل و کنترل قدرت در چارچوب اخلاق
عقلانیت و آگاهی	دانش سیاسی و بینش تاریخی	فهم شرایط اجتماعی و انتخاب آگاهانه مسیر اصلاح
عدالت و استبدادستیزی	مبارزه با استبداد و استبدادپذیری	تحقق عدالت از طریق تربیت انسان‌های شجاع و آگاه
هدایت‌گری دین و سیاست	حکومت رحیمه و حکیمه	تبدیل سیاست به ابزار هدایت و تربیت جامعه

(جدول محقق ساخته)

و) مؤلفه‌های تربیت سیاسی

منظور از «مؤلفه‌های تربیت سیاسی»، همان بخش‌ها یا شاخص‌هایی است که اگر فراهم شوند، «تربیت سیاسی» تحقق می‌یابد. در ادامه به تبیین آنها مبادرت می‌شود.



۱. بیداری و خودآگاهی

از دیدگاه سیدجمال‌الدین، یکی از مؤلفه‌های اساسی تربیت سیاسی، بیداری و خودآگاهی است. او بر این باور است که اگر تربیت سیاسی با آگاهی اجتماعی همراه شود، موجب تحولات مثبت و از میان رفتن احساس حقارت در میان مسلمانان می‌شود؛ زیرا انسان ناآگاه و تحقیرشده، عنصر مؤثری در جامعه نیست. به گمان او، «آغاز تحول مثبت در اجتماع و تعلیم و تربیت، بیداری و خودآگاهی است»؛ زیرا آگاهی مقدمه تربیت سیاسی است.

سیدجمال در عمل نیز ابتدا به آگاهی‌بخشی می‌پردازد و سپس به تربیت سیاسی. برای نمونه، در سخنرانی برای جوانان مسلمان هند می‌نویسد: «از دیدن این نونهال‌های هند بسیار خوشحال می‌شوم... این جوانان اولاد همان سرزمینی هستند که جمیع قوانین و آداب عالم از آنجا گرفته شده است» (اسدآبادی، ۱۳۶۰، ص ۲۱۳-۲۲۱). در این سخن، او با یادآوری شکوه گذشته، به تقویت خودآگاهی و رفع خودکم‌بینی می‌پردازد. به باور او، ریشه احساس حقارت در جامعه، ناشی از «عدم آگاهی از گذشته و تربیت ناصحیح فکری» است (اسدآبادی، ۱۳۶۰، ص ۲۱۴). بنابراین، نخبگان باید در مسیر بیداری و تربیت سیاسی مردم گام بردارند. سیدجمال برای تحقق این هدف از ابزارهایی مانند خطابه، نگارش مقاله، انتشار جراید، تأسیس روزنامه‌های سیاسی، ترغیب علما به مبارزه با استعمار و استبداد، تشکیل محافل علمی و سیاسی و اقدامات دیپلماتیک بهره می‌گیرد.

او در اهمیت مطبوعات می‌نویسد: «جراید و اخبارنامه‌های یومیه می‌توانند وظیفه پیشوایان مردم را برعهده گرفته و به منزله سائقی به سوی فضائل و امری به معروف و ناهی از منکر عمل کنند؛ مشروط بر آنکه ارباب جراید بنده حق باشند و نه بنده درهم و دینار» (اسدآبادی، ۱۳۵۸، ص ۱۰۵).

وی اصلاح و تربیت فکری جامعه را مقدمه دگرگونی اجتماعی می‌داند و معتقد است که برای تغییر رفتار و معیشت مردم، باید از «تربیت افکار» آغاز کرد. تربیت سیاسی او در شاگردانی مانند محمدعبده، رشید رضا و کواکبی ادامه یافت و به تحولات فکری مهمی در جهان اسلام منجر شد. طبق گفته دکتر حلبی، «زندگی افغانی کاملاً با افکارش موافقت داشت. در وجود او نظر و عمل از نزدیک به هم پیوسته بود» (حلبی، ۱۳۷۱، ص ۳۵-۳۶).

در نتیجه، از دید سیدجمال، تربیت سیاسی از بیداری و خودآگاهی آغاز می‌شود، با ابزارهایی مانند آموزش، خطابه و مطبوعات پیش می‌رود، بر رفع خودکم‌بینی تأکید دارد و در پیوند میان نظر و عمل معنا می‌یابد.



۲. آزادی خواهی و ستیزه کردن با استبداد

یکی از مؤلفه‌های مهم تربیت سیاسی در اندیشه‌ی سیدجمال‌الدین افغانی، مبارزه با استبداد و استبدادزدگی است. او استبداد را «مزمّن‌ترین درد جامعه اسلامی» می‌دانست و برای درمان آن، آگاهی و مشارکت سیاسی مسلمانان را ضروری می‌شمرد. از دید وی، بازگشت به آموزه‌ها و تربیت اسلامی شرط احیای عزت از دست‌رفته مسلمانان است.

در آغاز، سیدجمال کوشید از طریق نزدیکی به شاه و درباریان قاجار نخبگان را به اصلاح و تربیت سوق دهد؛ اما هنگامی که دریافت «استبداد مانع اصلی اصلاح» است، به مبارزه مستقیم و تربیت نیروهای انقلابی پرداخت. برخی پژوهشگران این تغییر روش را نوعی تناقض در اندیشه او دانسته‌اند (مجتهدی، ۱۳۶۳، ص ۳۰-۴۸)؛ درحالی‌که اندیشه و عمل سید دو مرحله است: نخست پند و اندرز سیاسی به درباریان و سپس مبارزه انقلابی از بیرون حکومت (صوفی و زارعی (۱۳۹۱)، ص ۱۴).

او با وجود ناامیدی از اصلاح شاهان، همچنان امیدوار به تأثیر اندیشه‌های اصلاحی بود؛ ولی در نامه‌ای می‌نویسد: «ای کاش من تمام تخم افکارم را در مزرعه مستعد افکار ملت کاشته بودم... آنچه در آن مزرعه کاشتم به نمو رسید، هرچه در این زمین کویر غرس نمودم فاسد گردید... هیچ‌یک از تکالیف خیرخواهانه من به گوش سلاطین مشرق فرورفت» (کرمانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۷؛ واثقی، ۱۳۵۵، ص ۳۴۸). سیدجمال استبدادگری و استبدادپذیری را ناشی از انحراف اخلاقی جامعه می‌داند:

«بدیهی است که استبداد اخلاق را ضعیف و سپس فاسد می‌سازد... در هر فردی از افراد که یافت شود، دارای اخلاق فاسد می‌گردد» (الافغانی، ۱۴۲۳، ج ۸، ص ۱۲). این نگرش اخلاقی او بعدها بر متفکرانی مانند عبدالرحمان کواکبی و نائینی اثر گذاشت. کواکبی در «طبایع الاستبداد»، استبداد را بیماری‌ای می‌داند که «همه جنبه‌های حیات انسان را فاسد می‌کند» و فساد اخلاقی ناشی از آن را خطرناک‌تر از پیامدهای سیاسی‌اش می‌خواند (صاحبی، ۱۳۹۷).

در مجموع، از دیدگاه سیدجمال، مبارزه با استبداد پایه تربیت سیاسی است؛ زیرا استبداد اخلاق، عقلانیت و تربیت دینی را تباه می‌کند. او پس از ناکامی در اصلاح حکومت، به پرورش نیروهای آگاه و انقلابی پرداخت و نشان داد که تربیت سیاسی بدون مقاومت در برابر استبداد و استبدادپذیری ممکن نیست.



۳. حکومت اسلامی

یکی از مؤلفه‌های اساسی تربیت سیاسی در اندیشه سیدجمال‌الدین، تأکید بر حکومت اسلامی است. از دید او، «حکومت اسلامی» نه تنها نهاد اجرایی، بلکه بستر اصلی تحقق تربیت سیاسی است؛ زیرا بدون آن، اهداف تربیتی، اجتماعی و سیاسی اسلام تحقق نمی‌یابد. در این نگاه، حکومت مسئول هدایت و تربیت سیاسی، اخلاقی و اجتماعی مردم است و «بدون تشکیل حکومت اسلامی، اجرای احکام دینی، دفاع از حقوق مردم و مبارزه با استبداد و استعمار غیرممکن است» (نجفی، ۱۳۷۵، ص ۶۰). سیدجمال حکومت اسلامی را دارای دو صفت «رحیمه» و «حکیمه» می‌داند؛ یعنی باید هم دلسوز مردم باشد و هم آگاه به وظایف تربیتی و سیاسی خود (نجفی، ۱۳۷۵، ص ۶۰).

به گفته جبرئیلی، ایفای نقش تربیتی نسبت به مردم ایجاد می‌کند که حاکم از دانش و صلاحیت اخلاقی خاصی برخوردار باشد تا بتواند وظیفه‌اش را به درستی انجام دهد (۱۴۰۲، ص ۱۲۳). سیدجمال تفاوت میان دو نوع حکومت را چنین توضیح می‌دهد: «در حکومت رحیمه جاهله، حاکم مانند «پدر مهربان و نادانی است که فرزندان را به سعادت دعوت می‌کند، اما راه‌های رسیدن به آن را نمی‌نمایاند»؛ اما در حکومت رحیمه حکیمه، حاکم «مانند والدین آگاه و مدبر، اسباب سعادت را فراهم می‌سازد و از تربیت و هدایت مردم غافل نمی‌شود» (نجفی، ۱۳۷۵، ص ۶۰).

او در عصر غیبت، فقیه را مصداق کامل حکومت رحیمه حکیمه می‌داند و ویژگی‌هایی مانند «حکمت، ورع، تقوا و مسئولیت‌پذیری» را برای او ضروری می‌شمرد تا بتواند در تربیت سیاسی جامعه نقش مؤثر ایفا کند. فقیه باید «مخالف هوا و هوس، دارای نفس مهذب و افکار بلند» باشد تا جامعه را به سوی عدالت و استقلال هدایت کند (سیدجمال‌الدین، ۱۴۲۳، ج ۹، ص ۱۲۲).

در نتیجه، در اندیشه سیدجمال، تشکیل حکومت اسلامی شرط اساسی تربیت سیاسی و اجتماعی است؛ تنها در پرتو چنین حکومتی می‌توان جامعه را به سوی سعادت، عدالت و بیداری سیاسی رهنمون کرد.

۴. تقوای سیاسی

در اندیشه سیاسی سیدجمال‌الدین، تقوای سیاسی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تربیت سیاسی مطرح است. او بر این باور بود که بدون تقوای سیاسی، رهبران و کنشگران اجتماعی در معرض لغزش‌های اخلاقی و سیاسی قرار می‌گیرند. در این راستا، تقوای



سیاسی را نه تنها یک فضیلت فردی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی می‌دانست که باید در جامعه نهادینه شود. سیدجمال‌الدین با تکیه بر تجربه عملی و پرهیز از آلوده شدن به آفات قدرت، تقوای سیاسی را در خود و دیگران تقویت می‌کرد. نمونه‌ای از این تقوای سیاسی را می‌توان در نامه‌ای که به حاجی «امین‌الضرب» نوشته است، مشاهده کرد. در این نامه، او تأکید می‌کند که هیچ‌گاه منافع شخصی را بر منافع عمومی ترجیح نداده و همواره در پی خیر امت محمدیه بوده است. او می‌نویسد: «اگر چشم من در او خیر عموم عبدالله نباشد، کور باد بهتر است و اگر دستم برای سعادت مخلوق نکوشد، از حرکت بازماند و اگر پایم در راه نجات امت محمدیه قدم نزنم، شکسته شود!» (افشار و مهدوی، ۱۳۴۲، ص ۱۸۲-۱۸۳).

سیدجمال‌الدین افغانی بر این باور بود که «تقوای سیاسی» تنها فضیلتی فردی نیست، بلکه یک ضرورت اجتماعی است. او سیاست را وسیله‌ای برای خدمت به مردم و تحقق عدالت می‌دانست، و از هرگونه منفعت‌طلبی شخصی پرهیز می‌کرد.

بر اساس این، تقوای سیاسی باید در همه از رهبران تا مردم عادی جاری باشد تا سیاست به الگویی اخلاقی و مسئولانه بدل شود؛ راهی برای حل مشکلات اجتماعی و سیاسی امت مسلمان.

۵. تاریخ

سیدجمال‌الدین اگرچه به معنای تاریخ‌نگار کلاسیک مورخ نبود، اما بی‌تردید می‌توان او را «تاریخدان» تلقی کرد. او دو اثر مستقل تاریخی درباره ایران و افغانستان دارد (حسینی، ۱۴۲۳، ص ۴۵).

برای سیدجمال‌الدین، تاریخ فقط ثبت وقایع نبود؛ بلکه ابزاری تربیتی و هویتی بود. او باور داشت که دانش تاریخ بررسی علل صعود و انحطاط امت‌ها، عبرت گرفتن از سرنوشت ملل گذشته و شناخت تجربه‌های تاریخ بشری آگاهی سیاسی، هویت دینی و احساس مسئولیت اجتماعی را در انسان زنده می‌کند. او معتقد بود تأثیر تربیتی تاریخ نسبت به دیگر علوم بیشتر است و به ناکارآمدی روش‌های آموزشی زمانه انتقاد داشت: «مسلمانان در این زمان در تعلیم و تعلم خود هیچ فایده‌ای ملاحظه نمی‌کنند» (اسدآبادی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۸). تأمل در تاریخ موجب بیداری، تدبیر و دوراندیشی می‌شود و تاریخ‌دان به کارگزار تعلیم و تربیت مبدل می‌شود (اسدآبادی، ۱۳۶۰، ص ۲۱۳-۲۲۱).

وی درباره اهمیت تاریخ برای تربیت نسل جوان می‌نویسد: «طیب نفوس و ارواح را که به راهنمایی جامعه برمی‌خیزد سزاوار است که آشنا به تاریخ ملت باشد تا بتواند فرزندان خود را راهنمایی کند و از تاریخ دیگران آشنا شود تا بداند که سرّ تقدم و انحطاط ملل در تمام ادوار تاریخی، در چه عواملی نهفته است» (خسروشاهی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۷).

در نوشته‌ها و مباحث فلسفی و کلامی‌اش از جمله در رساله‌ای که نقد مادی‌گرایی می‌کند، اسدآبادی با استناد به تاریخ فلسفه و حوادث تاریخی، دیدگاه‌ها و مکاتب فکری را تحلیل و نقد کرده است (همان، ج ۹، ص ۱۲-۴۸). او تأکید داشت که تاریخ‌نگاری واقعی باید به «بیداری وجدان امت»، «هویت‌بخشی»، و «مقاومت اجتماعی» کمک کند؛ صرف بازگویی گذشته بدون این کارکرد، از دید او بی‌ثمر است.

بدین ترتیب، در اندیشه سیدجمال‌الدین، تاریخ نه فقط علم گذشته‌گان، بلکه ابزار تربیتی و سیاسی است؛ وسیله‌ای برای آگاه ساختن نسل جوان، ایجاد احساس مسئولیت، احیای هویت و آمادگی برای مقاومت و اصلاح.

ز) تحلیل کیفی از مؤلفه‌های تربیت سیاسی در اندیشه سیدجمال‌الدین

اندیشه سیاسی سیدجمال‌الدین هدفمند است؛ چنان‌که «تربیت سیاسی» در آن هسته اصلی پروژه بیداری اسلامی را تشکیل می‌دهد. در نگاه او سیاست وسیله‌ای برای احیای عزت امت، مبارزه با جهل و ساختن جامعه‌ای آگاه و توانمند است. آثار و فعالیت‌های او نشان می‌دهد که مؤلفه‌های تربیت سیاسی از لحاظ نظری و عملی برای او مهم بوده است.

در تحلیل اندیشه او می‌توان پنج مؤلفه اساسی تربیت سیاسی شناسایی کرد: نخست، بیداری و خودآگاهی سیاسی - اجتماعی: اسدآبادی هدف خود را روشن کردن وجدان امت در برابر جهل، خرافه و استبداد فکری قرار داد و از طریق انتشار مقالات، تشکیل محافل و سخنرانی‌هایی که نسل نومسلمان را به استقلال فکری و تحرک اجتماعی فراخواند.

دوم، آزادی‌خواهی و مبارزه با استبداد و استعمار: او آزادی سیاسی و اجتماعی را بخشی از تربیت مهم برای امت می‌دانست و تربیت نخبگان سیاسی و ایجاد روحیه انقلابی را برای مقابله با استبداد داخلی و فشار خارجی ضروری می‌شمرد.





سوم، تشکیل حکومت رحیمه و حکیمه اسلامی: در نظر سیدجمال‌الدین، حکومت باید بر پایه عدالت، شریعت، حکمت و دفاع از حقوق مردم باشد. حاکم نقش مربی جامعه را دارد و سیاست ادامه تربیت و اخلاق است حکومتی که قانون، خرد و اخلاق در آن محور باشد. چهارم، تقوای سیاسی و اخلاق حکومتی: او اخلاق سیاسی و عرفان اخلاقی را شرط لازم برای سیاستمداران می‌دانست و معتقد بود سیاستمدار اگر تقوا و پرهیز از دنیاپرستی نداشته باشد، جامعه را به فساد و انحطاط می‌کشاند.

پنجم، درس‌آموزی از سرگذشت ملل: سیدجمال‌الدین تاریخ ملل اسلامی و سرنوشت جوامع را معلم بزرگ امت می‌شمرد و باور دارد فهم دقیق تاریخ و عبرت از شکست‌ها و موفقیت‌ها، عنصر حیاتی تربیت سیاسی است تا امت از تکرار خطاها بازماند.

بنابراین، در اندیشه سیدجمال‌الدین، تربیت سیاسی هم هدف و هم وسیله است: هدفش ساختن جامعه‌ای با عزت، استقلال، عدالت و خودآگاهی است؛ وسیله‌اش ترکیب دین، اخلاق، آگاهی و فعالیت اجتماعی - سیاسی. این نگاه جامع از تربیت سیاسی، نشان می‌دهد که او سیاست را صرفاً مراقبت از قدرت نمی‌دید؛ بلکه مسیر اصلاح فرد و جامعه و احیای هویت اسلامی می‌دانست.

جدول ۸. مؤلفه‌های تربیت سیاسی، روش‌ها و پیامدها

پیامد	روش	مؤلفه
ترکیب آگاهی سیاسی و تربیت سیاسی تحولات مثبت سیاسی اقتدار و عزتمندی زوال احساس حقارت	خطابه و منبر نگارش مقاله مطبوعات و جراید تشکیل محافل علمی تشکیل محافل سیاسی فعالیت تشکیلاتی یادگیری زبان روز فعالیت‌های دیپلماتیک	۱. بیداری - خودآگاهی
اصلاح و تربیت جامعه (مبارزه نرم) قیام مسلحانه به‌منابه فعل اخلاقی (مبارزه سخت)	تربیت نخبگان سیاسی تربیت کادر انقلابی اندرزهای سیاسی و اخلاقی فشار از بیرون حاکمیت	۱. آزادی‌خواهی و مبارزه با استبداد

<p>تجدید حیات اسلامی (ترکیب سیاست و تربیت) عزتمندی سیاسی (خروج از انحطاط سیاسی) بازیابی اقتدار سیاسی در سایه تربیت و وحدت اسلامی</p>	<p>ایجاد روحیه انقلابی توسل به عمل انقلابی ترکیب علم و عمل در معلم و مربی سیاسی انقلاب از بالا</p>	
<p>کاربست شفقت و حکمت در رفتار سیاسی تأمین سعادت گسترش فضائل اخلاقی تحکیم همبستگی سیاسی و پرهیز از نفاق اجتماعی توسعه صفا و صمیمیت در جامعه</p>	<p>تعلیم کتاب و حکمت مسئولیت‌پذیری در برابر تربیت مردم پاسداری از حقوق مردم اجرای احکام سیاسی - تربیتی ترکیب احکام دینی و سیاسی مبارزه با استعمار خارجی به‌مثابه فعل اخلاقی</p>	<p>۲. حکومت رحیمه حکیمه اسلامی</p>
<p>مصون‌سازی جامعه نسبت به آفات قدرت سیاسی تقویت کنترل‌کننده‌های درونی در مردم و رجال سیاسی</p>	<p>ترویج آموزه عرفان سیاسی معاد اندیشی در عرصه سیاست ترک تعلقات دنیوی در عین داشتن منصب حکومتی</p>	<p>۳. تقوای سیاسی</p>
<p>فراگیری درس‌ها و عبرت‌های سیاسی وقوف به نقش تربیتی تاریخ تعمیق بیداری، تدبیر و دوراندیشی در جامعه</p>	<p>مطالعه سرگذشت جوامع توجه به فلسفه تاریخ توجه به کارشناس تاریخ به‌مثابه کارگزار تربیتی توجه راهنمایان و کارگزاران سیاسی نسبت به تاریخ سیاسی جهان</p>	<p>۴. تاریخ</p>

(جدول محقق‌ساخته، برگرفته از آثار، سخنرانی‌ها و فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی

سیدجمال)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتیجه‌گیری: بر پایه تحلیل مبانی شناختی و فلسفی سیدجمال‌الدین و مؤلفه‌های تربیت سیاسی در اندیشه او، می‌توان مدعی شد که بین مبانی معرفتی و ساختار عملی جامعه یعنی سیاست و تربیت پیوند وثیق و تعاملی وجود دارد. به عبارتی، اندیشه اسدآبادی مبتنی بر نظریه‌ای است که معرفت توحیدی - عقلانی را منشأ تربیت فضیلت‌محور می‌داند؛ تربیتی که زمینه‌ساز خودآگاهی اجتماعی، مبارزه با استبداد، تقوای سیاسی، حکومت حکیمانه و عدالت اجتماعی است.

این نظریه فرض می‌کند که هرگونه اصلاح واقعی و پایدار در ساختار سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی دستیابی به استقلال، فضیلت عمومی، حقوق برابر، آزادی و عزت تنها با بازسازی مبانی معرفت‌شناختی و تربیت فلسفی و دینی ممکن می‌شود. یعنی تأکید بر عقل ورزیدن در چهارچوب وحی و سنت، احترام به کرامت و فطرت انسانی، و عدالت‌خواهی فلسفی - الهی، پایه یک پروژه تمدنی است.

از دیدگاه سیدجمال‌الدین، سیاست صرفاً عرصه تصاحب قدرت نیست؛ بلکه عرصه بروز و تحقق «انسان کامل و امت نمونه» است. انسانی که با معرفت درست اخلاق و تربیت، به استقلال فردی و اجتماعی و عدالت عمومی دست می‌یابد. هرگاه سیاست و تربیت تلفیق شوند، جامعه به ساختاری بدل می‌شود که در آن نه استبداد، بلکه فضیلت، خردمندی، عزت و آزادی حاکم است. براساس این، می‌توان نظریه تربیت-سیاست فضیلت‌محور را استخراج کرد: هرگاه معرفت در قالبی توحیدی و عقلانی بازسازی شود و بر پایه کرامت انسانی و عدالت شکل گیرد، تربیت فردی و اجتماعی می‌تواند انسان و جامعه را به فضیلت، استقلال و عدالت سوق دهد. در این چهارچوب، سیاست وسیله تحقق فضیلت و کرامت است نه صرفاً ابزار قدرت و سلطه. این دیدگاه فلسفی و عملی، هم قابلیت نظری دارد و هم راهکار مناسبی برای تحول اخلاقی، اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی.

پیشنهادها

کاربردسازی نتایج پژوهش: پیشنهاد می‌شود نتایج این پژوهش در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس، حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی استفاده شود.



تدوین واحد درسی «تربیت سیاسی اسلامی»: با توجه به اهمیت موضوع، پیشنهاد می‌شود در مقطع کارشناسی برای تمامی رشته‌ها، متنی به‌اندازه دو واحد درسی درباره تربیت سیاسی اسلامی تهیه و تدریس شود.

پژوهش‌های تکمیلی: مطالعات آینده می‌تواند به مقایسه اندیشه تربیت سیاسی سیدجمال با متفکرانی مانند امام خمینی (ره)، اقبال لاهوری و کواکبی بپردازد تا سیر تحول اندیشه تربیت سیاسی در جهان اسلام روشن‌تر شود.



۱. ارسطو، (۱۳۷۸) سیاست، (ترجمه حمید عنایت)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. اسدآبادی، ابوالحسن، (۱۳۶۰) نامه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی، با مقدمه و گردآوری ابوالحسن جمالی اسدآبادی و از سلسله کتاب‌های پرستو، وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳. اسدآبادی، سیدجمال‌الدین، () پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، انتشارات پیام.
۴. اسدآبادی، سیدجمال‌الدین، (۱۳۲۷) ضیغم‌الاسلام، تهران، کتابخانه اسلامیه.
۵. اسدآبادی، سیدجمال‌الدین، (۱۳۲۷) نیچریه یا ناتورالیسم، تبریز، بنگاه مطبوعاتی دین و دانش.
۶. اسدآبادی، سیدجمال‌الدین، (۱۳۵۵) مقاله عجب و تکبر و مقاله ایباب الحقیقه سعاده و شقای انسانی، مقالات سیدجمال‌الدین اسدآبادی، به کوشش ابوالحسن اسدآبادی، تهران طلوع آزادی.
۷. اسدآبادی، سیدجمال‌الدین، (۱۳۵۸) مقالات جمالیه، تهران، انتشارات اسلامی.
۸. اسدآبادی، سیدجمال‌الدین، (۱۳۷۹) العروه‌الوثقی، به کوشش: سیدهادی خسروشاهی، تهران، نشر کلبه شروق.
۹. اسدآبادی، سیدجمال‌الدین، (۱۳۷۹) مجموعه رسائل و مقالات، به کوشش: سید هادی خسروشاهی، تهران، نشر کلبه شروق.
۱۰. اسکینر، کوئنتین، (۱۳۷۵) ماکیاولی، (ترجمه عزت‌الله فولادوند)، خرمشهر، طرح نو.
۱۱. اسمیت، فلیپ جی، (۱۳۸۷) فلسفه آموزش و پرورش، (ترجمه سعید بهشتی)، مشهد، شرکت به‌نشر.
۱۲. افشار، ایرج، و مهدوی، اصغر، (۱۳۴۲) مجموعه اسناد چاپ‌نشده درباره سیدجمال‌الدین مشهور به افغانی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. افلاطون، (۱۳۶۷) دوره آثار افلاطون (قوانین)، (ترجمه محمدحسین لطفی)، تهران، خوارزمی، چ دوم.
۱۴. افلاطون، (۱۳۷۹) جمهور، (ترجمه فؤاد روحانی)، تهران، علمی و فرهنگی، چ هفتم.
۱۵. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۶. امام خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۱) تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).



۱۷. برزگر، ابراهیم، (۱۳۹۱) درآمدی بر نظریه‌پردازی سیاسی در اسلام: سیاست به‌مثابه صراط، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. جبرئیلی، احمد صفر، و جبرئیلی، محمدعلی، مبانی و ارکان حکومت دینی در اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی، قیسات، سال ۲۸، شماره ۱۰۸، ۱۴۰۲.
۱۹. جراحی دربان و همکاران، مبانی اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال یازدهم شماره ۲۱، ۱۳۹۳.
۲۰. حاج سیدجوادی، احمد، و خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۵) دائرةالمعارف تشیع، ج ۲، تهران، سعید محبی.
۲۱. حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۸) تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونری در کشورهای اسلامی، مشهد، انتشارات استان قدس رضوی.
۲۲. حائری، عبدالهادی، (۱۳۹۴) ایران و جهان اسلام، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۳. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، (۱۴۲۳) الآثار الکامله؛ تاریخ ایران و تاریخ افغان، اعداد تقدیم: سیدهادی خسروشاهی، ج ۵، الاولى، القاهره، مکتبه الشروق الدولیه.
۲۴. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، (۱۴۲۳) الآثار الکامله؛ رسائل فی الفلسفه والعرفان، اعداد تقدیم: سیدهادی خسروشاهی، ج ۷، الاولى، القاهره، مکتبه الشروق الدولیه.
۲۵. حسینی اسدآبادی، سیدجمال، (۱۴۲۳) الآثار الکامله؛ مجموعه رسائل و مقالات، اعداد و تقویم: سیدهادی خسروشاهی، ج ۹، الاولى، القاهره، مکتبه الشروق الدولیه.
۲۶. حسینی، محمود، (۱۳۷۹) سیاست و حکومت در اندیشه اسلامی. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۷. حکیمی، محمدرضا، (۱۳۸۸) بیدار گران اقلیم قبله، تهران، انتشارات دلیل ما.
۲۸. حلبی، علی‌اصغر، (۱۳۷۱) تاریخ نهضت‌های دینی، سیاسی معاصر، تهران، انتشارات بهبهانی.
۲۹. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۵/۱/۶) بیانات در دیدار با بسیجیان، قم، دفتر حفظ و نشر آثار.
۳۰. خسروشاهی، سیدهادی، (۱۳۹۶) یادنامه سیدجمال‌الدین اسدآبادی، قم، دارالعلم.
۳۱. رئیس طوسی، رضا، () مبارزات سیدجمال‌الدین در مصر، یادواره صدمین سالگشت سیدجمال‌الدین اسدآبادی، اندیشه‌ها و مبارزات، تهران، حسینیه ارشاد.
۳۲. سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۹) قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران، صراط.
۳۳. سعیدی، غلامرضا، خسروشاهی، سیدهادی، (۱۳۸۰) مفخر شرق: سیدجمال‌الدین اسدآبادی.
۳۴. صاحبی، محمدجوادی، (۱۳۵۸) تاکتیک‌های انقلابی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، قم، انتشارات هادی.





۳۵. صاحبی، محمدجواد، (۱۳۹۷) مکتب اخلاقی و تربیتی سیدجمال، برگرفته از سایت: <http://www.buali.ir/fa/article/>
۳۶. صدری‌نیا، حسین، (۱۳۸۸) ارتباط هستی و انسان با خدا، تهران، سایه روشن.
۳۷. صوفی، علی، زارعی، علیرضا، و مهرورز، عباس، اندیشه و عمل سیاسی سیدجمال‌الدین اسدآبادی در چالش با حکومت ناصری، مطالعات تاریخ اسلام، سال ۴، شماره ۱۴، ۱۳۹۱.
۳۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴) المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴. قم، اسلامی.
۳۹. عبده، محمد، (۱۹۹۳) الاعمال الکامله، تحقیق و تقدیم: محمد عماره، الجزء الاول، القاہرہ، دارالشروق.
۴۰. غزالی، محمد، (۱۳۵۱) احیاء علوم‌الدین، ج ۵، (ترجمه محمد خوارزمی)، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۴۱. فراست‌خواه، مقصود، (۱۳۸۸) سرآغاز نواندیشی معاصر، انتشارات شرکت عامی انتشار.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹) کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، قم، هجرت، چاپ دوم.
۴۳. کافی، مجید، نظریه انحطاط و اصول شش‌گانه تکامل انسانی از نظر سیدجمال‌الدین، اسلام و علوم اجتماعی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
۴۴. کرمانی، ناظم‌الاسلام، (۱۳۸۱) تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
۴۵. الگار، حامد، (۱۳۵۹) نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، (ترجمه ابوالقاسم سری)، تهران، انتشارات توسن.
۴۶. مجتهدی، کریم، (۱۳۶۳) سیدجمال‌الدین و تفکر جدید، تهران، نشر تاریخ ایران.
۴۷. مدرسی، مرتضی، (۱۳۷۷) آراء و معتقدات سیدجمال‌الدین افغانی، تهران، نشر اقبال.
۴۸. مدنی، سیدعلی‌خان، (۱۴۰۹) ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین (ع)، تصحیح سید محسن حسینی امینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۹. مرادی مخلص، حسین، (۱۳۹۹) آرای تربیتی بیدارگران اسلامی با تأکید بر جمال‌الدین اسدآبادی، اولین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در تاریخ، فرهنگ و بیداری اسلامی، همدان.
۵۰. مرادی مخلص، محمد، (۱۳۹۹) نگاهی به اندیشه‌های سیاسی سیدجمال‌الدین افغانی، تهران، نشر دانشگاهی.
۵۱. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۲) تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت.
۵۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴) تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
۵۳. ملاصدرا، صدرالمتألهین شیرازی، (۱۳۸۱) الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة، ج ۷. قم: بیدار.



۵۴. ملاصدرا، صدرالمآلهین شیرازی، (۱۳۸۱) مبدأ و معاد، (ترجمه احمد بن محمد اردکانی به کوشش عبدالله نورانی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۵۵. ناظرزاده کرمانی، فرناز، (۱۳۷۶) اصول و مبانی فلسفه سیاسی فارابی، تهران، دانشگاه الزهراء.
۵۶. نجفی، موسی، (۱۳۷۵) اندیشه دینی و سکولاریسم در حوزه معرفت سیاسی و غرب‌شناسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
۵۷. نجفی، موسی، (۱۳۷۸) تعامل دیانت و سیاست در ایران، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۵۸. واثقی، صدر، (۱۳۵۵) سیدجمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، انتشارات پیام.
۵۹. ییاس، جان، (۱۳۸۵) فلسفه تعلیم و تربیت، (ترجمه عبدالرضا ضرابی)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)
۶۰. یزدانی‌مقدم، احمدرضا، عقل و وحی در اندیشه سیاسی خواجه‌نصیرالدین طوسی، سیاست متعالیه، سال اول، شماره دوم، ۱۳۹۲.

